

نقش hoch به همراه صفات در زبان آلمانی

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم به hoch به همراه صفت ها پردازیم.

در واقع در زبان آلمانی بعضی از صفت ها هستند که می شود به آنها با اضافه کردن hoch صفت جدیدتری ساخت ، اما ما از کجا باید درک کنیم که این صفت ها کدام صفت ها هستند؟

قبل از پاسخ به این سوال ، من در درس گذشته گفته بودم دو راه برای بیان (“بیشتر”) از یک چیز وجود دارد ، مثلاً اگر بخواهیم اسم Geld را طوری بیان کنیم که یعنی ما خیلی پول داریم به سر وقت viel میرویم.

پس تا اینجا باید بدانیم که viel همواره با اسامی می آید. Ich habe viel Geld اما برای اینکه بخواهیم مثلاً صفت müde را به طوری بیان کنیم که خیلی خسته هستیم ، آنگاه به سر وقت sehr میرویم. بنابراین اینگونه می شود که Ich bin sehr müde

هرگاه اسم داشته باشیم با viel

هرگاه صفت داشته باشیم با sehr

البته در زبان آلمانی همواره استثناء نیز وجود دارد. اما در ۹۹ درصد به همین شکل است که برایتان بیان کردم.

اما نقش hoch در اینجا چیست؟

در واقع بعضی از صفت ها هستند چنانچه می شود آنها را با sehr افزایش داد ، اما شاید بخواهیم در بالاترین سطح از آنها بیان کنیم، اونوقت که به سر وقت hoch میرویم.

دقت کرده اید در فارسی گفته می شود او باهوش است

Er ist intelligent

او تیزهوش یا باهوش و با استعداد است

اما چنانچه بخواهیم بگوییم او خیلی باهوش است به سر وقت sehr میرویم

Er ist sehr intelligent

او خیلی باهوش یا با استعداد است

حال چنانچه بخواهیم بگوییم که او بیش از اندازه باهوش است ، آنگاه به سر وقت hoch میرویم

Er ist hochintelligent

او بیش از اندازه باهوش یا با استعداد است.

نکته گرامری : هرگاه hoch به صفت اضافه شود آنگاه باید آنها را سرهم بنویسیم

نکته : گاهی هم است که خود صفت شکل ساخته شده ای دارد ، برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید

müde خسته

Ich bin müde

من خسته هستم

Ich bin sehr müde

من خیلی خسته هستم

Ich bin übermüdet

من بیش از اندازه خسته ام

به طوری که از حال رفته ام و رمقی باقی نمانده است

پس خیلی خیلی خسته و کوفته باشیم به سر وقت übermüdet میرویم

در واقع über نیز حجم زیادی از آن صفت را به ما میدهد. صفتی که خودش در زبان آلمان شکل افزایش یافته اش وجود دارد. ولی چنانچه وجود نداشت آنگاه با hoch می توان آنرا بسازیم و بیان کنیم.

نکته : در بیشتر موارد هرگاه بتوانیم در فارسی یک صفت را با بیش از اندازه بیان کنیم ، مثلاً : بیش از اندازه باهوش ، آنگاه می توانیم به سروقت hoch برویم اما باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که خود آن صفت شکل افزایش یافته دارد یا نه؟ که در مورد müde وجود داشت übermüdet

sehr چنانچه با صفت بیاید ، در فارسی نقش (خیلی) را بازی میکند

hoch چنانچه با صفت ترکیب شود ، در فارسی نقش (بیش از اندازه) را بازی میکند

über چنانچه با صفت ترکیب شده باشد ، نقش (خیلی خیلی و چیزی نزدیک به بیش از اندازه) را بازی میکند.

اما گاهی ما so و zu را نیز داریم ، اینها دیگه چی میگن؟

دقت کرده اید که در فارسی گفته می شود که آن کفش زیادی تنگه و پایم را اذیت میکنه ، اینجا صفت تنگ به همراه زیادی آمده است ، این در تفکر آلمانی به این معنی است که یک چیزی درست نیست یک ایراد اساسی وجود دارد یا یک مشکل بزرگ وجود دارد. برای درک بیشتر به مثال زیر دقت کنید :

آن کفش زیادی تنگ است. (نه تنها زیادی تنگ است بلکه اصلاً مناسب نیست یه ایراد کلی هم به همراه داره)

Die Schuhe sind mir zu klein

آن کفش ها برای من بیش از اندازه کوچک است

که در اینجا کوچک به منظور eng نیز است. یعنی آن کفش یا از جلو یا از کنارها تنگ و کوچک است و مشکل اساسی آن این است که پایم را نیز میزند

اما در فارسی گفته می شود وای اون بچه چقدر کوچولو کوچولو چه ریزه میزه است ، آنوقت در زبان آلمانی به سروقت SO میرویم.

Das Baby ist so klein und so süß

آن بچه یا نوازد چقدر کوچولو کوچولو و چقدر بامزه است.

پس تفاوت ZU و SO در این است که ZU همواره ایراد یا مشکل اساسی نیز به همراه دارد ، مانند مثال بالا که نه تنها کوچک بود بلکه تنگ هم بود و نوک پایم را نیز میزد ، اما SO مقدار کوچک از یک چیز که می تواند جذاب و بامزه نیز باشد. برای مثال :

Das Haus ist so klein

آن خانه خیلی کوچک است (که در اینجا کوچک مثبت و نقلی با حال)

Das Haus ist zu klein

آن خانه خیلی کوچک است (کاملاً منفی و اصلاً هم مناسب نیست ، از نظر ما یک ایراد بزرگ دارد و آن هم کوچکی اش است و مناسب ما هم نیز)

مثال :

Ich bin sehr zufrieden mit Ihrer Arbeit

من خیلی از کار شما راضی هستم

توجه داشته باشیم که zufrieden خودش یک صفت هست و شکل اش به همین صورت است و به اون ZU اضافه نشده است!!!!

zufrieden

راضی ، خوشنود ، خوشحال ، قانع

Die Bergtour ist mir zu anstrengend

آن کوهپیمایی (گردش در کوه) برای من خیلی پر زحمت یا خیلی سخت طاقت فرسا است

پس اگر دقت کنیم باز اینجا zu یعنی نه تنها سخت و طاقت فرسا بود بلکه یک مشکل بزرگ نیز برای من هست که این کوهپیمایی زیادی به روی من فشار آورده است

اما گاهی می شود sehr را نیز با صفتی که با hoch ساخته شده است ترکیب شود. برای مثال :

Sie ist sehr hochmütig

او (مونث) بیش از اندازه و خیلی خیلی زیاد مغرور و متکبر است (از خود راضی هم می توان گفت)

خود hochmütig یعنی پر غرور، بیش از اندازه از خود راضی، حال اگر با sehr نیز بیاید، یعنی خیلی خیلی و بیش از اندازه به طوری که فکرش هم نمی توانی بکنی طرف از خود راضی و مغرور است.

sehr همچنین می تواند با صفتی بیاید که با über ساخته شده است :

Ich bin sehr überlastet

من خسته از کار زیاد هستم

به طوری که تحت فشار کاری فراوان و طاقت فرسا نیز هستم

چند مثال دیگر و پایان این درس :

Er fährt immer mit dem Auto hochtourig

او (مذکر) همیشه با آن اتومبیل یا آن ماشین بیش از اندازه تند رانندگی میکند

Das ist eine hochkomplizierte Aufgabe

آن یک تمرین بیش از اندازه سخت و دشوار است

بیش از اندازه پیچیده و سردرگم کننده است

Ich bin sehr verschwitzt

من خیلی عرق کرده ام

به طوری که خیس عرق هستم

Morteza ist sehr humorvoll

مرتضی خیلی شوخ طبع یا خیلی خوش مشرب است

Er ist so großzügig

او (مذکر) بسیار بخشنده یا بسیار بزرگووار (بسیار سخاوتمند) است

so کاملاً مثبت و zu کاملاً منفی

Deine Leistung ist so großartig

عملکرد یا نتیجه کاری ات بسیار بی نظیر یا بسیار عالی بود

Du bist einfach zu langsam für diese Arbeit

تو برای اینکار زیادی کند هستی

کاملاً منفی به طوری که به درد اینکار نمیخوری

Die Hose ist zu kurz für mich

آن شلوار برای من زیادی کوتاه است

نه تنها کوتاه است بلکه اصلاً مناسب من هم نیست (خلاصه ایرادش فقط کوتاهش نیست)

که جمله بالا را نیز می توانیم به شکل زیر نیز بیان کنیم

Die Hose ist mir zu kurz

آن شلوار برای من زیادی کوتاه است

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

روزهای هفته آلمانی

سلام دوستان در این درس کوتاه می خواهیم با هم روزهای هفته در زبان آلمانی را به کمک یکدیگر یاد بگیریم.

der Wochentag

روز هفته

die Wochentage

روزهای هفته

همچنین نزدیک به این دو اسم ما اسامی زیر را نیز داریم

die Wochentags, Werktags که هر دو اسم جمع هستند و حرف تعریف آنها die

روزهای هفته die Wochentags

روزهای کاری die Werktags

اما به آخر هفته می گوییم : das Wochenende

چرا حرف تعریف آن das شد؟ به خاطر وجود Ende هست که حرف تعریفش das می باشد.

در زبان آلمانی هرگاه ما اسم مرکب بسازیم ، آنگاه آرتیکل اسم دوم ما ، می شود آرتیکل اسم مرکب جدیدی که ساختیم.

ما همچنین می توانیم بگوییم : am Wochenende یعنی در آخر هفته و یا اینکه بگوییم am Wochenenden در آخر هفته ها

Am Wochenenden spiele ich Fußball

در آخر هفته ها من فوتبال بازی میکنم

اما قبل از یادگیری روزهای هفته بهتر است بدانید که حرف تعریف تمام روزهای هفته der است برای اینکه تمامی روزهای هفته به جز چهارشنبه به اسم Tag ختم می شود و Tag یک اسم مذکر است و حرف تعریف آن der می باشد.

اما نکته بعدی که باید به آن توجه کنید حرف اضافه روز در زبان آلمانی همیشه am است ، یعنی ما در فارسی می گوییم (در روز شنبه) و این (در) ما به زبان آلمانی am است.

der Montag - am Montag

روز دوشنبه ، در روز دوشنبه

der Dienstag - am Dienstag

روز سه شنبه ، در روز سه شنبه

der Mittwoch - am Mittwoch

روز چهارشنبه ، در روز چهارشنبه

der Donnerstag - am Donnerstag

روز پنج شنبه - در روز پنج شنبه

der Freitag - am Freitag

روز جمعه ، در روز جمعه

der Samstag - am Samstag

روز شنبه ، در روز شنبه

der Sonntag - am Sonntag

روز یک شنبه ، در روز یک شنبه

خب دوستان ، حال که با روزهای هفته در زبان آلمانی آشنا شدیم بهتر است با اوقات روز نیز آشنا شویم. اما قبل از آشنا شدن اجازه بدید یاد بگیریم که حرف تعریف تمام اوقات روز به جز شب der می باشد.

der Morgen

صبح

der Mittag

ظهر

der Vormittag

قبل از ظهر

der Nachmittag

کمی بعد از ظهر

der Abend

بعد از ظهر یا عصر

die Nacht

شب

حال که با این اسامی آشنا شدیم در آخر خوب است که بدانیم ما می توانیم از این اسامی که یاد گرفتیم به شکل زیر نیز استفاده کنیم :

am Montag Abend

در دوشنبه سر شب یا در دوشنبه عصر

der Samstag Nachmittag

شنبه کمی بعد از ظهر

و برای باقی نیز به همین صورت ^۴

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

نگاهی به bloß در زبان آلمانی

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به bloß در زبان آلمانی

لغت یا واژه bloß در جملات آلمانی هم می تواند به عنوان **صفت** بکار برده شود و هم به عنوان یک **قید**.

هرگاه به عنوان **قید** مورد استفاده قرار بگیرد به معنی : **تنها** ، فقط و بسیار نزدیک به **nur** می باشد.

پس **bloß** چنانچه به عنوان قید به کار برده شود ، درست همانند **nur** است و با کاربردی کاملاً مشابه

bloß = nur

فقط ، تنها ، نه بیشتر ، به جز

Er denkt **bloß** an sich!

او (مذکر) **فقط** به فکر خودش است

فقط به خودش فکر میکنه

که ما می توانیم همین جمله را با nur نیز بگوییم:

Er denkt nur an sich

او فقط به خودش فکر میکنه!

او فقط به فکر خودش است!

Sei nicht sauer! Das macht er bloß, um dich zu ärgern

عصبانی نباش! او (مذکر) فقط آنرا انجام میدهد تا تو را اذیت بکند

عصبانی نشو! او فقط آنرا برای اینکه تو را اذیت کند انجام میدهد

که می توانیم همین جمله را با nur نیز بگوییم:

Sei nicht sauer! Das macht er nur, um dich zu ärgern

عصبانی نباش! او (مذکر) فقط آنرا انجام میدهد تا تو را اذیت بکند

عصبانی نشو! او فقط آنرا برای اینکه تو را اذیت کند انجام میدهد

پس هرکجا که بتوانیم از nur استفاده کنیم از bloß (به عنوان یک قید) نیز می توانیم استفاده کنیم.

اما چنانچه به عنوان صفت در جملات به کار برده شود ، آنگاه به معنی :

برهنه ، خالی ، عریان ، پوچ و توخالی (باد هوا)

Er hat gesagt, dass er mich liebt! Aber das war bloßes Gerede

او (مذکر) میگفت که منرا دوست دارد (عاشق من است) ولی آن (فقط) حرف پوچ و توخالی (چرت و پرت) بود.

bloße Arme

یک آدم بیچاره برهنه

یک آدم درمانده پاپتی

یک آدم فقیر و بی چیز

der bloße Gedanke

افکار پوچ و تهی ، افکار مسخره و بی اساس

mit bloßem Auge kann ich das nicht erkennen

با چشم خالی (بدون عینک ، لنز یا ابزار بینایی دیگر) من آنرا نمی توانم تشخیص بدهم

البته ما اصطلاح **wenn bloß...** را نیز داریم که کاملاً کاربردی مشابه **wenn nur...** دارد که هر دو در بیشتر موارد برای ساخت **Konjunktiv 2** بکار برده می شوند.

wenn nur = wenn bloß

کاش ، ای کاش ، کاشکی ، اگه فقط

در دروس گذشته به طور دقیق **wenn bloß** را مورد بررسی قرار داده ام ، شما می توانید این درس را از آدرس زیر مطالعه کنید.

نگاهی به **wenn bloß** در زبان آلمانی ([کلیک کنید](#))

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

نگاهی به klären- و پیشوندهای آن

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم باهم نگاهی داشته باشیم به **klären**- و افعالی که می توان توسط آن ساخت.

قبل از هرچیز باید بدانیم که خود **klären** به تنهایی یک فعل است.

klären

شفاف کردن ، زلال کردن ، ابهامات را برطرف کردن ، روشن و آشکار ساختن

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2018/07/klären.mp3>

گذشته ساده : klärten

گذشته کامل : haben geklärt

durch Untersuchungen oder Gespräche feststellen, wie etwas wirklich war bzw. ist

توسط آزمایشات یا گفتگو ها متوجه بشویم چیزی واقعاً چگونه بوده یا اینکه است

توجه داشته باشید که در مثال بالا گفتم ، توسط چیزی ، پس این یعنی فعل klären می تواند به همراه حرف اضافه durch در جملات مورد استفاده قرار بگیرد ، به زبان ساده تر اینکه ما همیشه durch (توسط یا بواسطه چیزی) می توانیم klären کنیم ، به مثال زیر توجه کنید :

Wir müssen unsere Meinungsverschiedenheiten **durch** ein offenes Gespräch **klären**

ما باید اختلاف نظر هایمان را **به وسیله** یا **توسط** یک گفتگوی بی پرده **روشن و آشکار** سازیم

eine Frage klären

یک پرسش یا سوال را شفاف و روشن ساختن

die Unfallursache muss noch geklärt werden

دلیل تصادف هم باید روشن شود یا معلوم بشه

آن چیز یا چیزهای که باعث شده اند یک تصادف صورت بگیرد ، باید آشکار یا روشن بشود در فارسی گفته می شود معلوم بشود.

اما همین klären- می تواند به پیشوندهای ترکیب شود و افعال جدیدی بسازد که معانی متفاوتی نیز داشته باشند، ما در این درس می خواهیم آن افعال را مورد بررسی قرار دهیم.

اولین فعل ما erklären است که از ترکیب klären- با پیشوند er ساخته می شود:

erklären یک فعل جداشدنی نیست!

توضیح دادن ، شرح دادن ، توصیف کردن ، دلیل آوردن ، اظهار کردن

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2018/07/erklären.mp3>

erklärten : گذشته ساده

haben erklärt : گذشته کامل

etwas deutlich machen

چیزی را واضح یا روشن تر کردن

گفتیم چیزی را ، پس فعل erklären یک فعل Akkusativ ساز است ، زیرا ما همواره می توئیم etwas (چیزی را)

etwas erklären کنیم. اما توجه داشته باشید که Dativ را نیز به همراه دارد ، یعنی اینکه ما می توانیم jemandem به کسی etwas چیزی را erklären شرح دهیم یا توضیح دهیم یا در تفکر فارسی : برایش شرح دهیم.

erklären +D +A

Könntest du mir noch einmal den Unterschied zwischen Konjunktiv I und Konjunktiv II erklären?

امکان داره (همیشه) تو یکبار دیگر تفاوتِ میان کنیونکتیو یک و کنیونکتیو دو را به من شرح بدهی □

نکته بسیار بسیار مهم : چنانچه در جمله هم اکوزاتیو داشته باشیم و هم داتیو ، در تفکر فارسی ما ابتدا اکوزاتیو را استفاده میکنیم و سپس داتیو را ، اما در تفکر آلمانی باید بدانیم که در بیشتر مواقع می بایستی ابتدا از Dativ و پس از آن از Akkusativ استفاده کنیم ، درست همانند مثال بالا

etwas genau erklären

چیزی را دقیق توضیح دادن

ein Bild erklären

یک عکس یا تصویر را توصیف کردن

Sie erklärte mir, warum sie nicht kommen könne

او (مونث) به من شرح داد یا اضاها کرد ، (که) چرا نتوانست بیاد

به عنوان اصطلاح :

Ich kann mir dein Verhalten nicht erklären (verstehe es nicht)

من رفتار تو را نمی توانم توصیف کنم (درکش نمی کنم)

یعنی دلیل رفتاری که داری رو نمی تونم متوجه بشم ، بفهمم یا درکش کنم.

دومین فعل ما فعل **abklären** است که یک فعل جداشدنی می باشد.

به معنی : مطلبی را روشن ساختن

گذشته ساده : klärten ab

گذشته کامل : haben abgeklärt

Ich will erst noch **abklären**, wann meine Kollegen Urlaub nehmen wollen, bevor ich eine Reise buche

من می خواهم قبل از اینکه یک مسافرت را ثبت کنم (رزرو کنم) در ابتدا **مطلبی را روشن سازم** (که) چه زمانی همکاران به می خواهند به تعطیلات بروند

یعنی در ابتدا یا قبل از اینکه چیزی را رزرو کنیم ، می خواهیم این موضوع یا مطلب را مشخص کنیم که چه زمانی همکارانمان می خواهند به تعطیلات بروند.

aufklären یک فعل جداشدنی می باشد.

فاش کردن حقایق و آنها را به اطلاع دیگران رساندن ، بر طرف شدن ابرها و باز شدن هوا , از اشتباه در آوردن

<http://de.alemani.de/wp-content/uploads/2018/07/aufklären.mp3>

گذشته ساده : klärten auf

گذشته کامل : haben aufgeklärt

ein Verbrechen **aufklären**

یک جنایت یا جرم را **فاش کردن**

Der Arzt hat den Patienten vor der Operation über alle Risiken **aufgeklärt**

پزشک قبل از عمل جراحی آن بیمار را در مورد تمام ریسک های آن عمل جراحی یا خطرات آن عمل جراحی آگاه ساخت

یعنی تمام واقعیت را فاش کرد و تمام خطرات آن عمل جراحی را قبل از عمل به اطلاع بیمار رساند.

verklären یک فعل جداشدنی نیست!

اجازه بدیم یا بگذاریم چیزی بهتر و زیباتر نمایان شود ، اضهار نظری را زیباتر و بهتر بیان کردن یا شرح دادن

گذشته ساده : verklärten

گذشته کامل : haben verklärt

Ich neige dazu, meine Studienzeit in Schottland zu **verklären**

من تمایل به این دارم ، (که) دوران تحصیل ام در اسکاتلند را زیباتر و بهتر شرح بدهم

ein Lächeln **verklärte** ihr Gesicht

یک لبخند چهره تان را زیباتر و بهتر میکرد

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

نگاهی به zwar و und zwar در زبان آلمانی

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به **und zwar** و **zwar** در زبان آلمانی و همچنین **nämlich** را نیز مورد بررسی قرار بدهیم.

البته در مورد **zwar** در دروس گذشته صحبت کرده ایم و گفتیم که می تواند به معانی :

البته ، گرچه ، در واقع ، در حقیقت ، باشد

و همچنین گفتیم که می تواند برای مقایسه میان صفت ها مورد استفاده قرار بگیرد.

کامل این درس را می توانید از آدرس زیر مطالعه کنید :

مقایسه بین صفت ها ([کلیک کنید](#))

اما **und zwar** می تواند به این معنی باشد که چیزی را دقیق تر بیان کنیم ، برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید :

Er soll mich anrufen, **und zwar** sofort

او (مذکر) می بایستی با من تماس بگیرد و **دقیق تر گفته باشم** : فوراً

در تفکر آلمانی : او می بایستی مرا تماس بگیرد ، **در واقع فوراً**

پس هرگاه ما جمله ای را گفته باشیم و بعد از آن بخواهیم تکمیل ترش کنیم یا دقیق ترش کنیم ، اونوقت به سر وقت **und zwar** میرویم.

چند مثال :

Ich lehne das ab, **und zwar** aus folgendem Grund...

من اینرا قبول نمیکنم (نمی پذیرم) **دقیق تر گفته باشم** به دلیل زیر ...

در بخش اول جمله ، ما چیزی را قبول نکردیم یا نپذیرفتیم و در بخش دوم توسط **und zwar** گفته ایم به خاطر دلیل زیر یا ذیل است که آنرا نپذیرفته ایم ، یعنی هم دقیق تر بیان کرده ایم و هم جمله مان را تکمیل تر به مخاطب رسانده ایم.

Alle machen ihre Hausaufgaben, **und zwar** täglich

همه تکالیفشان را انجام میدهند ، و **دقیق تر اینکه** روزانه

همه تکالیفشان را **در حقیقت** روزانه انجام میدهند

در واقع اگر ما چیزی را در جمله مان نیز جا انداخته باشیم می توانیم به کمک **und zwar** بخش اول جمله را به بخش دوم متصل کنیم و منظور خودمان را دقیق تر به مخاطب برسانیم.

یعنی در جمله بالا **täglich** می توانست در بخش اول جمله بیاید و به کل **und zwar** حذف شود ، ولی از آنجایی که ما یادمان رفته بود آنرا بیان کنیم پس سریع از **und zwar** استفاده کردیم و بعد **täglich** را بکار بردیم.

Alle machen täglich ihre Hausaufgaben

همه روزانه تکالیفشان را انجام میدهند

Alle machen ihre Hausaufgaben, **und zwar** täglich

همه تکالیفشان را انجام میدهند ، **دقیق تر بگویم یا در حقیقت** روزانه (به عبارت دیگر روزانه)

که از نظر مفهومی دقیقاً همانند مثال اول می شود.

اما ما **nämlich** هم داریم که از نظر کاربردی و مفهومی بسیار نزدیک به **und zwar** می باشد.

nämlich

به عبارت دیگر ، یعنی اینکه

البته **nämlich** کاربرد های دیگری و مفاهیم دیگر نیز دارد ، مانند :

زیرا ، همین ، چونکه ، به این دلیل که ، همان ، یکسان

Er ist schon zweimal da gewesen, **nämlich** gestern und heute

او دو بار در آنجا بوده است ، به عبارت دیگر دیروز و امروز

در مثال بالا **nämlich** و **und zwar** می توانند بکار برده شوند و معانی : دقیق تر بگویم ، به عبارت دیگر ، یعنی اینکه را بدهند.

ولی همانطور که گفتم **nämlich** کاربرد و معانی دیگر نیز می تواند داشته باشد که در ادامه به آنها نیز می پردازیم.

Die Zeitung kommt jeden Morgen zur **nämlichen** Zeit

آن روزنامه هر روز سر زمان و ساعت **یکسانی** می آید

ساعت و زمان مشابه ، مثلاً همیشه سر ساعت ۸ صبح می آید.

Das war **nämlich** ganz anders

چونکه آن کاملاً چیز دیگری بود

در همین رابطه می توانید درس زیر را نیز مطالعه کنید.

نگاهی به **nicht nur... sondern** ([کلیک کنید](#))

نکات پایانی :

در واقع **zwar** اگر در جمله ای به کار برده شود ، در بخش دوم آن جمله همواره **aber** می آید ، یعنی شکل کلی آن اینگونه است :

zwar...aber

اگر چه اینجوری ... ولی

درست است که اینجوری ... ولی

در واقع اینجوری ... ولی

کاربرد های همانند بالا دارد ، اما اگر **und zwar** باشد ، آنگاه نزدیک می شود به **nämlich** و معنی و کاربرد دیگری به خود میگیرد. همانند : به عبارت دیگر ، دقیق تر گفته باشم ، در حقیقت اینکه ...

همچنین گفتیم که **nämlich** می تواند به غیر از معانی گفته شده در بالا ، معانی زیر را نیز داشته باشد : **زیرا ، همین ، چونکه ،** به این دلیل که

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de